

ماجرای بازنده‌ی فروش شانس

ارل استنلی گاردنر

ترجمه
رامین آذربایجان



انتشارات فرهنگ تارا

سرشناسه: گاردنر، ارل استنلی، ۱۸۸۹-۱۹۷۰ م.
 Gardner, Erle Stanley
 عنوان و نام پدیدآور: ماجرای بازنده‌ی خوش‌شانس / ارل استنلی گاردنر؛ ترجمه‌ی رامین آذربهرام.
 مشخصات نشر: تهران: فرهنگ تارا، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.
 شابک: 978-600-92031-5-4
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان اصلی: The case of the lucky loser, [1957].
 موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.
 موضوع: ماسون، پری (شخصیت داستانی) -- داستان.
 موضوع: آذربهرام، رامین، ۱۳۴۷-، مترجم. مترجم.
 رده‌بندی ده‌بندی: PS ۳۵۲۳ / م۲ ۱۳۹۲
 رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۲
 کتاب: ملی: ۳۳۵۶۳۴۹



تهران، خیابان انقلاب، خیابان بوریحان، خیابان وحیدنظری، پلاک ۲۹
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶-۶۶۴۰۴۶-۶۶۴۰۱۲-۶۶۴۰۲۷ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷
 فروشگاه (۱): ۶۴۶۷۸۴۸ - فروشگاه: ۸۸۲۷۵۲۲۱
 www.arid-pub.com

۵

ماجرای بازنده‌ی خوش‌شانس

ارل استنلی گاردنر

ترجمه‌ی رامین آذربهرام

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول بهار ۱۳۹۳

چاپخانه: گلشن

تیراژ ۱۱۰۰

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۰۳۱-۵-۴ 978-600-92031-5-4

مرکز پخش: انتشارات مروارید، تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸
 ریال ۱۱۰۰۰۰

مقدمه

ارل استیسی گالسر در ۱۷ جولای ۱۸۸۹، در مالدن ایالت ماساچوست آمریکا به دنیا آمد. پدرش یک مدرس معدن بود. دوران کودکی و نوجوانی خود را در همان شهر گذراند. بعد از تکمیل حقوق دانشگاه والپاریزو در ایندیانا رفت، اما نتوانست تحصیلاتش را در دانشگاه به پایان برساند و مشاغل گوناگونی از جمله ماشین‌نویسی و دلالی در مسابقات استقامتی را تجربه کرد. در ۱۹۱۹ توانست مدرک وکالتش را بگیرد و دفتر وکالتی در شهر مرسد در کالیفرنیا دایر کند. از همان زمان با علاقه و استعداد فراوان هر یک از چندین صفحه داستان می‌نوشت. در ۱۹۲۳ با استفاده از تجربه‌های دوران وکالتش، نخستین داستان پلیسی خود را با نام مستعار در یکی از مجلات منتشر کرد. به همین داستان تنها پانزده دلار به او حق‌التألیف دادند و حتی مادرش حاضر نشد آن را بخرد، اما او به ارسال داستان‌هایش برای نشریات مختلف ادامه داد. در سال‌های بعد در داستان‌های کوتاه‌اش با نام مستعار در مجلات «نقاب سیاه» و «آرگوسی» به چاپ رسید.

در ۱۹۳۳ برای اولین بار شخصیت «پری میسن» در یکی از داستان‌هایش ظاهر شد. این داستان که ماجرای پنجه‌ی خونین نام داشت شهرتی به‌دست آورد و نویسنده‌اش به ارمغان آورد. میسن و کیلی زبردست بود که همراه منشی‌اش در استریت و کارآگاهی خصوصی به نام پل دریک پرونده‌های جنایی را حل و فصل می‌کرد. ماجرای پنجه‌ی خونین به سبک آثار ریموند چندلر و داشیل همت نوشته شده و به‌خصوص تأثیر شاهین مالت، کتاب معروف همت، در آن مشهود است. میسن در بیش از هشتاد داستان بلند و چند داستان کوتاه ظاهر شد و

به‌زودی به‌عنوان زبردست‌ترین وکیل تاریخ ادبیات پلیسی شهرتی باورنکردنی یافت. تا آن زمان گاردنر را با نام استنلی گاردنر نمی‌شناختند؛ چون داستان‌هایش را با پنج نام مستعار چاپ می‌کرد. از این‌رو بعدها که نام اصلی‌اش را به‌کار برد، نام مستعارش را بزرگ‌تر از نام اصلی‌اش روی جلد کتاب می‌نوشتند!

ارل استنلی گاردنر بسیار پرکار بود و می‌توانست در یک روز بیش از چهار هزار کلمه بنویسد! او بیش از یکصد و پنجاه داستان پلیسی و یکصد داستان سترن نوشت و مؤسسه‌ی کتاب‌های جیبی آمریکا، به این دلیل که یکی از داستان‌هایش بیش از صد میلیون نسخه (!) فروخته بود، به او نشان افتخار اهداء کرد. در سال‌های دهه‌ی پنجاه، روزانه در سراسر آمریکا بیش از پنجاه هزار نسخه از آثار گاردنر به‌فروش می‌رسید! رقمی که حتی امروز هم شگفت‌انگیز است.

ارل استنلی گاردنر در سال ۱۹۵۲، برای مجموعه آثارش، معتبرترین جایزه‌ی ادبیات پلیسی آمریکا، یعنی جایزه‌ی ادگار را دریافت کرد. در سال‌های شهرت میزان حق‌التألیفی او برای هر کتاب می‌گرفت به بیست هزار دلار می‌رسید که در زمان خود مبلغ بسیار قابل‌توجهی بود. چون کتاب‌های او چندان پرورق نبودند، این مبلغ به چند سنت برای هر کلمه بالغ می‌شد و شاید بتوان از این نظر فقط استیفن کینگ، نویسنده‌ی نابغه‌ی آثار وحشت‌انگیز، را با او مقایسه کرد.

زمانی داستان‌داده‌ی خوب در آمریکا با نام پری میسن قرین بود و این شخصیت همان اندازه در آمریکا معروف بود که سارتر هلمز - قهرمان داستان‌های سر آرتور کانن دوئل - در انگلستان. از ماجراهای پری میسن در سال ۱۹۵۷ مجموعه‌ای تلویزیونی با بازی ریموند بر در نقش میسن تهیه شد که با موفقیتی بی‌سابقه مواجه گردید. تا آنجا که ساخت و پخش این مجموعه، سال ۱۹۶۶ ادامه یافت و با ۲۷۱ قسمت، پربیننده‌ترین و موفق‌ترین مجموعه پلیسی دادگاهی تلویزیون لقب گرفت. ریموند بر، در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱، برای اولین بار نقش میسن جایزه‌ی امی دریافت کرد و ۱۳۰ کانال تلویزیونی در سراسر کشور (از جمله تلویزیون ملی ایران) این مجموعه را پخش کردند.

گاردنر در سال ۱۹۳۹ با نام مستعار ا. ا. فیر^۱ دو کارآگاه جدید را به

خوانندگان آثار پلیسی معرفی کرد: دونالد لم^۱ و برتا کول^۲. این دو که با هم یک بنگاه کارآگاهی تأسیس کرده‌اند، در ۲۰ کتاب گاردنر به پرونده‌های پیچیده و جالبی رسیدگی می‌کنند که حل معمای آنها مستلزم تلاش بسیار و حتی مسافرت‌های دورودراز است. از ماجراهای این دو در سال ۱۹۵۵ مجموعه‌ای «لوئیزیونی تهیه شد که در آن آرت کارنی و جین دارول نقش لم و کول را بازی کردند».

لاوه بر آثار پلیسی، گاردنر یک مجموعه کتاب توریستی هم دارد که در آنها مرآی سفرهای خود را به نواحی گوناگون جهان با قلمی شیرین به رشته‌ی تحریر درآورده است. وی در عکاسی از طبیعت و حیات وحش نیز مهارت داشت و با چند انجمن علمی (از جمله چینی!) کاملاً آشنا بود.

ارل استنلی گاردنر در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ در کالیفرنیا درگذشت. جسدش را بنا به وصیتش سوزاند و خاکستر او را بر فراز مجمع‌الجزایر باجا در جنوب کالیفرنیا پخش کردند. همین که پس به نام *ماجرای جنایت به تعویق افتاده* در سال ۱۹۷۳ - سه سال بعد از درگذشت - به چاپ رسید.

در مورد ارزش ادبی آثار گاردنر اختلاف نظر وجود دارد. برخی منتقدان معتقدند با آنکه آثار او از پر فروش‌ترین کتاب‌های پلیسی تاریخ ادبیات هستند، تمامی خصوصیات ادبیات پلیسی را ندارند. رکس استاوت^۳ که خود یک نویسنده‌ی بسیار معروفی است و کارآگاه آثارش، نرو وولف^۴، شهرتی جهانی دارد، معتقد است که آثار گاردنر حتی از مؤلفه‌های اصلی ادبی بی‌بهره‌اند و در آنها هر چه به یادماندنی اثری نیست. شاید یکی از دلایل این موضوع گرایش گاردنر به نوشتن رمان‌های عاصه‌پسند باشد. رمان‌هایی که پیرنگ آنها ساده است و از نظر ادبی ارزش کمی ندارند. اما باید توجه داشت که در کارنامه‌ی اغلب نویسندگان بزرگ چنین آثاری - معمولاً با نام مستعار - وجود دارند که تنها با هدف کسب درآمد نوشته شده‌اند. گاردنر نیز از این قاعده مستثنی نیست، اما در فهرست آثار او کتاب‌های زیادی نیز

1. Donald Lam
4. Nero Wolff

2. Bertha Cool

3. Rex Stout

یافت می‌شوند که در زمره‌ی ادبیات ناب پلیسی قرار می‌گیرند.
از ارل استنلی گاردنر - تا جایی که اطلاع دارم - تنها یک کتاب آن هم در
سال‌های دور در سلسله کتاب‌های جیبی انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است.

ماجرای بازنده‌ی خوش‌شانس از جذاب‌ترین داستان‌های مجموعه‌ی پری میسن
است. تد بالفور جوان که وارث ثروت هنگفتی است و متهم شده مر دی ناشناس را
با اتومبیل زیر گرفته و کشته است، از میسن می‌خواهد وکالت او را بر عهده بگیرد.
میسن ادعای بی‌گناهی تد را به هنگام تصادف حال عادی نداشته و وقایع آن زمان را به یاد
نمی‌ورد. میسن تحقیقات خود را آغاز می‌کند و درمی‌یابد که در شب حادثه زنی
جوان اتومبیل تد بالفور را می‌رانده است. کالبدشکافی جسد نشان می‌دهد که
قربانی نه بر اثر تصادف بلکه به واسطه‌ی اصابت گلوله به سرش مرده و گلوله از
اسلحه‌ای شلیک شده به پلیس آن را در اتومبیل تد بالفور پیدا کرده است. با
ادامه‌ی تحقیقات پرونده پیچیده‌تر می‌شود و میسن خود را با کلاف سردرگمی
مواجه می‌بیند که رهایی از آن نیاز به روپود آن کار ساده‌ای نیست.

دکتر رامین آذربهرام

مهر ۱۳۹۱